



۲۰۱۵/۱۲/۰۴

ملیحه نیاب

علاقه مندی مردم به مسایل دینی و سیاسی روز بروز بیشتر میگردد!

از اینکه برنامه های سیاسی و دینی در تلویزیونهای داخل و خارج کشور مورد علاقه بیشتر بینندگان قرار میگیرد و گاهی هم انسان از دیدن و یا خواندن بعضی موضوعات خود را جگرخون میابد، چنانکه دو هفته قبل در برنامه خانم سحبه تلویزون آریانا که جناب فرید یونس مهمان برنامه شان بود تا جوابات قناعت بخش ارایه بدهند... متأسفانه داکتر صاحب با آنکه دیگران یعنی بسیاری از علمای دینی را فاقد معلومات در مورد تاریخ اسلام میدانند و آنچه انتظار میرفت جوابات روشن و واضح ارایه نگردید خصوصاً در مورد سنگسار اینکه چرا زن را سنگسار و مرد دره زده شد. آقای یونس به روایتی اشاره نمودند که گویا در زمان پیغمبر اسلام سنگسار صورت گرفته است و این را هم نگفتند که آیا قبل از نزول آیات در سوره نور (زدن صد دره) صورت گرفته بود و یا بعد از نزول آن سوره. برای روشن شدن قضایا باید به بعضی سوره ها و آیات دیگر مراجعه گردد نه اینکه موضوع گنگ و پیچیده باقی بماند که این خود جفا در حق دین پنداشته میشود. در مورد شهادت بر مرد و زن زناکار که بایست چهار نفر مرد (نه یک، نه دو، نه سه) شهادت بدهند مشروط بر اینکه به چشم دیده باشند. آیا همچو معنی و تفسیر دروازه فساد اخلاقی بروی زناکاران باز گذاشته نشده است؟ زیرا هیچ احق در جهان پیدا نخواهد شد که حضور یک شاهد را در اطراف خود بپذیرد و چه رسد به چهار شاهد که آنها را ببینند. البته این آیه اشاره به زنان پاکدامن شده است که قربانی دشمنی های قومی و خشونت های شوهران خود میشدند چون بعضی ازواج ها بدون رضایت طرفین و یا جهت رفع نزاع ها قومی اجباری صورت می گرفت یعنی کینه و خصومت از دلها کاملاً نمیرفت و هرگاه آتش خشم در دل مرد شعله ور میگردد و یا از زنش بیزار میشد آنوقت با تهمت بستن به زن طرف مقابل و خانواده اش را زجر داده، زن را مجبور میساختند تا از (مهریه) خود بگذرد و یا مانند کنیز بدون حق و ندادن طلاق در منزل نگه میداشتند. خداوند تعالی با آوردن چنین شرایط دست ظالم را کوتاه تر ساخت. و به آن مردانیکه به زنان خود اتهام زنا می بستند و جز خود شان کسی دیگر را شاهد نمیداشت بایست به خداوند چهار بار قسم یاد میکرد که حرفش درست بوده و از جمله راستگویان است و همچنان زن بخاطر رد و یا قبول حرف های شوهر بایست چهار بار قسم یاد میکرد. خداوند تعالی برای حفظ حیثیت و نجات زنان از مصیبت های که نظر به عرف جامعه دامنگیر شان گردیده بود آیات زیادی در چندین سوره نازل فرمود تا مردان را متوجه عدالت در برابر آنها ساخته و از عذاب آخرت غافل نباشند چنانکه میفرماید: (به زنان ظلم نکنید که دست خداوند بالاتر از دست شما بالای زن است) (قضیه حضرت عایشه که در بازگشت سفرش از کاروان عقب مانده بود و توسط دو نفر (صاحب غرض) از اقارب و نزدیکانش مورد تهمت ناحق قرار گرفت که حتی خود پیغمبر را هم متأثر ساخته بود و نظر به روایتی (حضرت علی خلیفه چهارم برای پیغمبر گفت تا عایشه زنش را طلاق بدهد و علاوه نموده بود که یا پیغمبر برای خونت زن کم نیست). حضرت عایشه در خانه پدرش بود و از غصه سخت بیمار تا اینکه خبر به گوش پیغمبر خدا رسید، جهت عیادت به دهن دروازه خانه پدرش رفته تا از احوالش جويا گردد. حضرت عایشه وقتیکه چشمش به پیغمبر افتاد به گریه شد و گفت: یا پیغمبر دیگران هرچه میگویند و شما مرا بهتر از دیگران میشناسید. خداوند تعالی از حال بی بی عایشه آگاه تر بود و به پیغمبرش در مورد بیگناهی عایشه رض خبر داد یعنی (آیت نازل شد که یا پیغمبر عایشه بیگناست) دو نفر که شهادت غلط داده بودند به هر کدام شان هشتاد دره زده شد. پس دلیل چهار شاهد

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

که به چشم دیده باشند بی دلیل نبوده است ورنه با تهمت های ناحق زندگی هزاران زن با عفت در برابر قانون صحرايي که امروز جريان دارد تباہ می شد.

در زمان پیغمبر اسلام مردم با عرف و عادات (جاهلانہ) که در آن سرزمین مروج بود زندگی میکردند یعنی قبل از نزول آیات هرگونه ظلم و بدبختی را مردم و بخصوص زنان مظلوم متحمل میکردیدند یکی هم (ظهار) بود یعنی مرد از روی خشونت زنش را بجای مادر خطاب نموده و برای خود حرام میساخت و اگر پیشیمان هم میشد به زن رجوع نمیکرد درآنصورت طلاق صورت میگرفت، تا اینکه آیت در سوره مجادله نازل گردید تا این فرهنگ ظالمانه از دامن جامعه برچیده شده و از میان رفت و هم کسانیکه سهواً آن را تکرار نمایند به جزای که در قرآن آمده است باید برسند. هر جزای که در قرآن جهت بهبود وضع اخلاقی و اجتماعی برای نجات بشریت مقرر گردیده است خالی از حکمت نبوده اما افسوس که بنده گان خداوند آنرا به درستی رعایت نکرده و به صورت درست از آن مواظبت نمیکند. خداوند در قرآن از علمای یهود یاد نموده که آیات تورات را از جایش بیجا نموده و آنچه خود خواستند عمل مینمودند. تند روان یهودی سنگسار که از گذشتگان برایشان به ارث رسیده بود در تورات جا دادند متأسفانه تندروان مسلمان آیات قرآن را مراعات نکرده راسته و چپه مورد اجراء قرار میدهند، یعنی مرد را دره زده که حتی سر و شانه اش تکان نمیخورد و زن را با بی رحمی سنگسار کردند که ناله و فغانش به گوش آسمان میرسید. ای وای برین ستمگاران که از خداوند و روز جزا غافل گشته اند.

هفته قبل در برنامه خانم سحبه شخص که خودش را «قاسم» و پیرو آهئین زردشتی معرفی داشت، نظر به شکایات بعضی مردم که ایشان به اسلام و پیغمبر مسلمانان توهین کرده است. صفات پیغمبر و خوبی های دین اسلام را از دید آیات قرآن باید شناخت، زیرا گفته اند که اسلام به ذات خود کدام عیب ندارد، پس نقص در کجاست؟ مسلمانان و دیگر ادیان مردگان شانرا به زیر خاک دفن مینمایند تا از شر حیوانات درنده درامان بمانند، این مطلب در قرآن آمده است خداوند تعالی دو پرنده که بالای شاخه درخت جنگ کرده یکی آن کشته شده و به زمین افتاد در حقیقت به فرزند آدم فهمانده شد تا ببیند که پرنده چگونه با نول خود زمین را کنده پرنده مرده را دفن میکند، مطلب اینجاست که خداوند همانگونه که به انسان کرامت داده است به مردگان نیز عزت بخشید و خاک را حجاب برای شان قرار داد تا مورد حمله حیوانات درنده قرار نگیرند. افسوس که قدر و قیمت خود را انسان آنچه باید شناخت تا شکران نعمت های پروردگار را بجا آورد... چند سال قبل در باره رسوم زردشتیان اینکه چگونه مردگان زردشتی مورد حمله مرغان لاشخور قرار میگرفت در تلویزیون برنامه داشتند که بعد از وفات شان در سر بام بسیار بزرگ و بلند مرده را برهنه ساخته بروی تخت بام قرار داده و پرنده لاشخور که منتظر چنین موقع بودند در مدت چند ساعت جسد را به استخوان (اسکلیت) مبدل ساخته و به همین ترتیب تا زمانیکه استخوان ها زیاد میشدند بعد جمع آوری شده برای اجساد تازه آماده میساختند. و این عمل شان بخاطر بوده که آنها به حیات دوباره یعنی بعد از مرگ اعتقاد ندارند، جنت و دوزخ را در همین دنیا تصور میکنند. این اعتقاد خود آنهاست و هیچ مسلمان به خود حق نمیدهد تا به اعتقاد دیگران توهین کند پس هر انسان آگاه اولاً به دین خود معلومات لازم را داشته باشد و با ادیان دیگر هم آشنا باشد تا بداند که چه خوبی در ادیان دیگر است که در دین خودش «اسلام» وجود ندارد و اگر نقص در دین خود می بیند حتماً آن نقص از عدم فهم و دانش خود اوست نه از دین و پیغمبر اسلام. گفته شده است که چگونه اسلام با این حالت که در میان مردم جهان به دیده زار یعنی دین خشونت معرفی شده است به پیروزی خواهد رسید. بلی چون وعده خداوند است که دین اسلام به پیروزی خواهد رسید، البته که میرسد اما نه توسط این اشخاص که در حق دین خدا «اسلام» و کلام حق قرآن چه ستم و جفا ها که در حق خود مردم مسلمان صورت نگرفته است و چه ظلم بنام دین خدا بر مردم روا نمیدارند، اما بعد ازین طبقه ظالم، آن موعود که خداوند به آن اشاره نموده است که بعضی ها عیسی ع میگویند و بعضی هم مهدی آخر زمان یاد نموده اند با گروه های از مسلمانان واقعی که در میان شان زنان نیز حضور خواهند یافت چهره اصلی اسلام این دین شفا بخش عاری از خشونت و تعصب در سراسر جهان معرفت پیدا خواهد کرد.

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالېولو مخکې په خیر و لولی

در یکی از بر نامه های تلویزیونی (زرین) بنام حقایق ناگفته که گرداننده آن آقای امان کیوان و سخنانش زهرآگین به اسلام بوده تورات را مکمل دانسته گفت چرا عیسی آمد تا دین یهودیت را به مردم شما تکمیل کند و. در دو برنامه شان مشاهده کردم روی مسایل صحبت میکنند که نه به درد مسلمان میخورد و نه هم به درد یهود و نصاری. مثلاً میگویند: در تورات از دوازده فرزند یعقوب پیغمبر نام برده شده است و در قران صرف از سه چهار فرزندانش که باید دلایلش را خود از آیات قران پیدا میکرد، چون یهودیان خود را از دیگران برتری میدادند و میگفتند که ما از اولاده های بنی اسرائیل میباشیم. «خداوند در جواب آنها در همین قران میفرماید: فرزند پیغمبر بودن به شما کمک نمیرساند بلکه اعمال شماست که نزد پروردگار حساب میشود، همچنان میفرماید: که همه فرزندان یعقوب مؤمن نبودند» پس نام آنعه از فرزندان یعقوب ع که مطرح بودند در قران ذکر گردیده است. میگوید: در تورات موسی را مادرش در سید گذاشته به دریا رها کرد و در تفسیر قران در صندوق چوبی. سید یا صندوق چه فرقی را بمیان میاورد هر دو یک وسیله انتقال بود چرا روی آن باید بحث صورت گیرد در حالیکه اهمیت موضوع در پرورش موسی به دامان دشمن «فرعون» بوده است که هم تورات و هم قران به آن اشاره داشته است. و باز میگوید کدام موسی؟ که قتل کرد و بعد فرار. چگونه قائل پیغمبر... مطالب را بعضاً هم پیچیده بیان میدارند که هدف شان درست فهمیده نمیشود، باید بدانند که اراده خداوند را هیچکس انکار کرده نمیتواند آیا قصه قتل پسر نوجوان که توسط خضر ع در مقابل چشمان موسی ع صورت گرفت و حضرت موسی غضب ناک شده و خضر ع بعداً برایش گفت که به امر خداوند آن قتل را انجام داده که سبب خیر برای خود پسر جوان و پدر و مادرش که مؤمن بودند گردید. پس اگر قتل غیر عمدی آن جوان قطبی توسط موسی ع صورت نمیگرفت و به مدین فرار نمیکرد چگونه با شعیب ع معرفت حاصل میکرد که بعد با یکی از دخترانش ازدواج کرد و در بازگشت با شعله آتش (درخت یا بته) نزدیک شد و با خداوند هم کلام شده به پیغمبری معبوث گردید. در مورد برنامه آقای کیوان همیقدر کفایت میکند چون برنامه دینی در تلویزیونها زیاد است هرگاه سخن ناحق و ظالمانه بنام دین گفته میشود باید جلو آن زودتر گرفته شود تا به فرهنگ خشن در میان جامعه تبدیل نگردد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالپولو مخکې په خیر و لولئ